

نشانہ، ارتباط و ایموجے

(درآمدی بر ارتباطات و نشانہ شناسی)

صادق ہاشمی



تہران، ۱۴۰۰

سرشناسه	: هاشمی، صادق، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور	: نشانه، ارتباط و ایموچی (درآمدی بر ارتباطات و نشانه‌شناسی) / صادق هاشمی.
مشخصات نشر	: تهران: بوی کاغذ، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۲ ص. مصور، جدول.
شابک	: 978-622-6070-46-1
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: نشانه‌شناسی
موضوع	: ارتباط
موضوع	: ارتباط غیرکلامی
موضوع	: ارتباط نوشتاری
رده بندی کنگره	: P۹۹
رده بندی دیویی	: ۳۰۲/۲۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۳۳۴۵۰

تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر شمالی، کوچه مجد، شماره ۵،

واحد یک غربی، کدپستی: ۱۴۱۸۹۴۵۸۵۳

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۲۸۴۹۱ تلفن همراه: ۰۹۲۱۲۵۷۶۵۹۳

رایانامه: info@booka.ir تارنما: www.booka.ir



نشانه، ارتباط و ایموچی

(درآمدی بر ارتباطات و نشانه‌شناسی)

صادق هاشمی

چاپ: اول، ۱۴۰۰ مدیر تولید: احمد رضائی طراح جلد: پیمان سعادتی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه چاپ و صحافی: هنگام شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۷۰-۴۶-۱

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

این کتاب تقدیم می‌شود به:

پدرم،

مادرم،

هر دو خواهرم،

و

الیانا،

ریچارد استالمن،

دکتر الکساندرا رژینا کراشمر

و رباتی به نام سوفیا

www.booka.ir

www.booka.ir

فهرست مطالب

۹	ورود
۱۱	بن پایه
۱۴	فصل نخست: نشانه
۱۴	۱. نشانه
۱۶	متغیرهای موردنیاز در طبقه‌بندی نشانه‌ها
۱۷	نشانه، احساس، تفسیر و ادراک
۲۰	ویژگی فیزیکی نشانه
۲۱	تولید نشانه
۲۲	نسبت‌دهی نشانه به موضوع
۲۵	تفسیر، نسبت‌دهی و انواع پردازش‌گر
۲۶	نشانه، فاصله، زمان، قوانین دنیای واقعی
۲۹	متغیرها، روابط میان متغیرها و فهرست نتایج
۳۲	تفسیر، بازنمون، موضوع
۳۳	گسترش نشانه و قدرت
۳۶	هدف از تولید نشانه
۳۷	انواع نشانه
۳۹	هم‌پوشانی نشانه‌ها
۴۱	۲. پیام، تولید پیام و بازتولید نشانه
۴۲	نظام نشانه‌ای و انواع پیام

پیام و ادراک ۴۴

متن، سین ساین، لجی ساین و بسامد رخداد ۴۷

فصل دوم: ارتباط ۴۹

۱. ارتباط ۴۹

تعریف ارتباط ۴۹

متغیرهای ارتباط ۵۱

۲. انواع ارتباط ۵۳

طبقه‌بندی بر اساس منبع و دریافت‌کننده ۵۳

طبقه‌بندی بر اساس ماده و انرژی به عنوان منتقل‌شونده ۵۴

طبقه‌بندی بر اساس نوع مجرا ۵۶

طبقه‌بندی بر اساس میزان فاصله ۵۶

شبکه، اینترنت و عصر اینترنت ۵۷

ارتباط کامپیوتر- کامپیوتر ۵۹

فصل سوم: ارتباط غیرکلامی و عواطف ۶۲

۱. ارتباط غیرکلامی ۶۲

نشانه‌های ارتباط غیرکلامی انسان-انسان و انواع آن ۶۴

چهره به عنوان محل تولید نشانه غیرکلامی ۶۶

دستها به عنوان محل تولید نشانه غیرکلامی ۶۷

لباس به عنوان نشانه غیرکلامی ۶۸

۲. عواطف انسان و چهره او ۷۰

انواع عواطف ۷۳

- ۷۵ شمایل‌گونی در ابراز عواطف: نظام نشانه‌ای چهره
- ۷۶ ۳. ارتباط نشانه-ترکیبی انسان‌ها (کلامی- غیرکلامی)

۷۷ فصل چهارم: نوشتن، نوشتار و نظام‌های نوشتاری

- ۷۷ ۱. نظام نوشتاری
- ۷۷ نوشتن
- ۷۹ نوشتار، ارتباط نوشتاری، نظام نوشتاری
- ۸۱ رابطه بین متغیرها
- ۸۲ طبقه‌بندی نظام نوشتار بر اساس نوع دستگاه تولید
- ۸۳ طبقه‌بندی نظام نوشتار بر اساس نوع نشانه
- ۸۵ نمونه‌های نظام نوشتار تصویرنگار
- ۸۶ نمونه‌های نظام نوشتار اندیشه‌نگار
- ۸۶ نظام نوشتار دوحالتی
- ۸۷ نظام نوشتار حالت ترکیبی
- ۸۷ نسبت‌دهی از روش هم‌پوشانی: بازنمایی اصوات و واحدهای زبانی
- ۸۷ نظام نوشتار نشانه زبانی و انواع آن
- ۹۲ برخی ویژگی‌های خاص نظام نوشتار نشانه زبانی
- ۹۳ طبقه‌بندی نظام نوشتار بر اساس جهت قراردعی نشانه‌ها
- ۹۴ ۲. تحول نظام‌های نوشتاری

۹۵ فصل پنجم: ایموچی‌ها

- ۹۵ ۱. ایموچی
- ۹۵ پیدایش ایموچی‌ها

۹۸ بازنمایی چهره و ابراز عواطف در نوشتار: ظهور ایموتیکون‌ها و ایموژی‌ها
۱۰۱ نشانگی ایموژی‌ها
۱۰۵ نوع نسبت‌دهی ایموژی‌ها به عنوان نشانه
۱۰۷ نشانه‌های ارتباط غیر کلامی و ایموژی‌ها
۱۰۸ مجموعه صورتک‌ها و نشانه‌های ارتباط غیر کلامی
۱۱۰ مجموعه دست‌ها و نشانه‌های ارتباط غیر کلامی
۱۱۳ مجموعه لباس‌ها و نشانه‌های ارتباط غیر کلامی
۱۱۴ انواع ایموژی‌ها
۱۱۹ ۲. معنی ایموژی‌ها
۱۲۲ مؤلفه‌های معنایی
۱۲۳ چندمعنایی ایموژی‌ها
۱۲۶ استعاره و ایموژی‌ها
۱۳۲ ۳. ایموژی‌ها در پیام
۱۳۵ ایموژی‌ها در ساختار پیام‌ها
۱۳۶ انواع ساختار پیام‌های دומده
۱۴۰ معنی ایموژی‌ها در متن
۱۴۳ گروه اول ساختار پیام‌های دומده: رابطه ایموژی‌ها با واحدهای زبانی
۱۴۹ ۴. جمع‌بندی و نتایج
۱۵۱ کتابنامه
۱۵۳ واژه‌نامه تخصصی
۱۵۸ نمایه

ورود

قبل از رسیدن انعکاس جوهرهای نگاشته شده بر کاغذهای پیش‌رو به چشم‌هایتان، باید مطابق با قوانین حال حاضر وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری کشور ایران پاراگراف زیر جلوی چشمانتان نصب شود:

«این اثر برگرفته، مستخرج و مقتبس و در چند بخش عین پایان‌نامه با عنوان «*تحلیل نشانه‌شناختی هم‌نشینی واحدهای زبان فارسی و نظام نشانه‌ای تصویر ایموجی در ارتباطات عصر اینترنت*» است که در تاریخ بهمن ۱۳۹۷ توسط آقای صادق هاشمی با راهنمایی دکتر کورش صفوی و مشاوره دکتر مجتبی منشی‌زاده در دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی دفاع و پذیرفته شده است و دانشگاه به موجب مجوز شماره ۱۰۴۲-۱۳۹۹/۱۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۶ اجازه چاپ/تولید و انتشار آن را داده است.»

و اما بعد...

www.booka.ir

بن پایه

گونه ما از لنزهای مختلفی در واحدهای زمانی مختلف می‌تواند نگریسته و تحلیل شود. می‌توان از لنز فیزیک حرکت، شیمی، زیست‌شناسی این تحلیل را پیش برد و یا از لنز مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، نشانه‌شناسی و ارتباطات. اما مجموعه این تحلیل‌ها و نتایج حاصل از آنها برای توصیف انسان چه تصویری را پیشنهاد می‌کنند؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش، متن‌های به‌جا مانده از گذشته که سعی در ارائه چنین توصیفی داشته‌اند مورد جست‌وجو قرار گرفتند و از میان آنها یک نقاشی انتخاب شد. نقاشی موسوم به «موج بزرگ کاناگاوا»^۱ اثر هنرمند ژاپنی هوکوسای^۲. برای ارائه توصیف خود، می‌توانیم فرض کنیم موضوع اصلی نقاشی ثابت بماند، اما به جای عناصر معنی‌دار آن، معادل‌های امروزی‌اش آن‌گونه که مطلوب ماست در نقاشی درج گردند. در این هنگام، روایتی دیگر شکل می‌گیرد که تا اندازه‌ای توصیفی از انسان امروز پیش روی باقی می‌گذارد.

موضوع چنین روایتی همچنان شبکه‌ای از عصب‌های در حال تعامل با مغز یک بدن شناور در میان آب دریا است که موجی با چنگال‌هایی برآمده به سوی آن بدن حرکت می‌کند. لیکن، در روایت ما این موج، نه دیگر از آب، بلکه از متن‌هایی شکل گرفته است که از مجرای اینترنت به انسان در مسیر حرکت هجوم می‌آورند. متن‌هایی که برای سرگرمی، تبلیغات، آموزش یا خبردهی به ما ساخته می‌شوند، در حداقل زمان از شهری دیگر، کشوری دیگر، قاره‌ای دیگر و حتی از دورترین فاصله‌ای که یک انسان در خارج از اتمسفر زمین می‌تواند قرار بگیرد توسط اینترنت سریعاً به ما می‌رسند. اما چه عاملی باعث به وجود آمدن اینترنت شد؟

اجازه دهید از لابه‌لای نتایج تحلیل‌های مردم‌شناسی و علوم تکاملی به هزاران سال پیش برگردیم، به لحظه‌ای که اجزای دستگاه آوایی انسان در وضعیتی قرار گرفت که بتواند صدا تولید کند. اینکه آن انسان (انسان‌ها) در کجای زمین بوده است (اند) برای من ناشناخته است،

1. The Great Wave off Kaganawa
2. Hokusai

اما می‌توانیم بگوییم این تحول در حنجره به همراه تحولی که در مغز برای تشخیص تفاوت صداها از یکدیگر، تقلید صداهای اطراف خود (مانند صدای پرندگان و حیوانات)، ترکیب صداها و تولید نمادها و یا به عبارتی پیدایش اولین زبان ایجاد شده بود، خود امکانی بود برای اینکه حرکت جمعی از انسان‌ها از یک نقطه مکانی به مکان‌های ناشناخته را به دلیل قابلیت انتشار صدا و دریافت آن از فواصل دور توسط گوش را فراهم کند. جمعی از انسان‌ها توانستند پای پیاده شعاع بیشتری را از دیگران فاصله بگیرند و به قلمروهای دیگر بروند، به منابع دیگری از آب و غذا دسترسی پیدا کنند و شناختشان از هستی را بیشتر کنند، حتی اگر در مسیر حرکتشان موجی با چنگال‌های برآمده به سویشان در حرکت باشد. روند مشابهی را می‌توان برای پیش از پیدایش زبان به کار برد. می‌توان به دوره‌ای اندیشید که انسان هنوز دارای زبان نبود و با اشاره‌های حرکتی دست و صورت برای سایر افراد، خانواده، قبیله و یا جامعه امکان ارتباط، حرکت جمعی و تأمین منابع مورد نیازش را فراهم کند، اما آیا در شب نیز امکان استفاده از اشاره‌های دست و صورت وجود داشت؟ آیا اشاره‌های دست و صورت از فواصل دور نیز قابل دریافت بودند؟

اگر به تمام توصیف‌هایی که تا امروز از انسان ارائه شد دقت کنیم آنگاه بین تحول نظام‌های ارتباطی انسان، میزان شناخت او از هستی پیرامونش با تغییر میزان فاصله‌ای که می‌تواند به صورت جمعی حرکت کند و در نتیجه امکان رفع نیازهایش رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. در چنین بازه‌ای از زمان می‌توان شناخت انسان از هستی را با آنچه امروزه به واسطه علوم شیمی، فیزیک و زیست‌شناسی بازنمایی شده است و در ابزارسازی، خانه‌سازی و شهرسازی، غذا، پوشاک، درمان بیماری‌ها و داروشناسی و هنر بازتولید می‌شود، دریافت که با تغییر نظام ارتباطی انسان تغییر کرده است و در عین حال خود منجر به پیدایش نظام‌های ارتباطی دست‌ساز انسان برای رفع موانع فاصله در ارتباط اجتماعی او شده‌اند. از دود سیاه‌رنگ ناشی از سوخته شدن ماده در آتش روشن شده در بالای کوه‌های سرزمین سرخپوست‌ها تا پیدایش نظام‌های نوشتاری، جوهر، کاغذ و روزنامه؛ از تبدیل انرژی الکتریکی به انرژی صوتی در تلفن تا انتشار امواج الکترومغناطیس در ارتباطات بی‌سیم و در نهایت پیدایش مدارهای منطقی و شروع ارتباط انسان با ماشین، پیدایش اینترنت و شکل‌گیری هوش مصنوعی همه و همه نتیجه افزایش شناخت انسان از هستی و رفع میل به دانستن، نتیجه تحول نظام ارتباطی و نتیجه امکان حرکت و عبور از تمام امواجی است که در خلاف مسیر حرکت به سوی گونه‌های انسان هجوم آورده و می‌آورند.

بیاید به تابلوی نقاشی خود بازگردیم و فرض کنیم که این بار تمام اجزای نقاشی ما به غیر از اجزای تشکیل دهنده متن‌های موج زننده در اینترنت ثابت می‌مانند. به بیان بهتر، نقاشی ما می‌تواند مانند یک انیمیشن به صورت اتوماتیک اجزای سازنده متن‌ها را برجسته سازد و بتواند به انتخاب ما مواردی را که از یک نوع هستند به تفکیک بیشترین تا کمترین در واحدهای زمانی مختلف نشان دهد. در فصل‌های بعدی کتاب خواهید دید که این اجزای تشکیل دهنده متن‌ها همان نشانه‌ها هستند؛ اما اگر به این نقاشی در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ میلادی نگاهی بیندازیم خواهیم دید که هر روز بر تعداد نوعی از نشانه‌ها افزوده و برجسته‌تر شده‌اند، تا حدی که در سال ۲۰۱۵ لغت‌نامه آکسفورد یکی از این نشانه‌ها را به عنوان کلمه سال معرفی کرد و بعد از مدتی نام این نشانه‌ها با واژه «ایموجی» بر سر زبان‌ها افتاد. رقابت دولت‌های کشورهای مختلف برای درج ایموجی مخصوص خود در میان این نشانه‌ها به حدی رسید که کنسرسیومی مخصوص برای ایموجی‌ها و متشکل از هشت آبرشرکت انفورماتیک یعنی گوگل^۱، مایکروسافت^۲، اپل^۳، آی‌بی‌ام^۴، ادوبی^۵، نت‌فلیکس^۶، فیس‌بوک^۷ و ساپ‌سی^۸ با نام «کنسرسیوم یونیکد»^۹ با هدف رأی‌گیری و صدور مجوز افزودن نشانه در ایموجی‌ها به وجود آمد و مجموعه نشانه‌های ایموجی در تمام نظام‌های نوشتاری دیجیتال در دسترس انسان قرار گرفتند.

اثر پیش‌روی شما که خارج از اینترنت در مسیرتان قرار گرفته است حاصل ساعت‌ها مشاهده امواج و ایموجی‌های درون آن است که از اینترنت به دست من رسیده‌اند و با استفاده از نشانه‌شناسی پیرس^{۱۰} از هر دو منظر ساختاری و عملکرد در ارتباط مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از این‌رو، در این کتاب نخست به مفاهیم و بنیان‌های نشانه‌شناسی و ارتباط پرداخته می‌شود و در ادامه ایموجی‌ها مطرح می‌شوند. امید که پس عبور از امواج مخالف، همه‌مان خندان یکدیگر را در مسیر حرکت به مقصدی دیگر ملاقات کنیم.

-
1. Google
 2. Microsoft
 3. Apple
 4. IBM
 5. Adobe
 6. Netflix
 7. Facebook
 8. SAP SE
 9. Unicode Consortium
 10. Semiotic theory of Charles Sanders Peirce

فصل نخست

نشانه

فصل حاضر به توصیف «نشانه»^۱ و «پیام»^۲ اختصاص یافته است. در این فصل، ابتدا تعریف نشانه از دیدگاه پیرس بیان خواهد شد و آرا و نظرات این بنیان‌گذار نشانه‌شناسی معرفی و بسط داده می‌شود. در بخش دوم، اصطلاح پیام همراه با دیدگاه پیرس و سایر نشانه‌شناسان به آن مورد بازبینی قرار خواهد گرفت. در پایان، تعریف نگارنده از «نشانه» مطرح خواهد شد.

۱. نشانه

این واژه در زبان انگلیسی برابر با «sign» است و معادل آن در زبان لاتین «signum»، در زبان آلمانی «Zeichen»، در زبان فرانسه «signe» و در زبان ایتالیایی «segne» است. تعریف این واژه و تعیین مرز تفاوت آن مستلزم تنظیم فهرستی است از ویژگی‌هایی ممیز نشانه با آنچه که نشانه نیست. بر این اساس، در کتاب حاضر تعاریف دو دانشمند شاخص حوزه نشانه‌شناسی جهان، چارلز سندرز پیرس و توماس آلبرت سببک^۳، ارائه می‌گردد و در ادامه برای رسیدن به تعریفی جهان‌شمول و قابل تعمیم به هرگونه فضای ارتباطی موجود و قابل درک (و نه صرفاً ارتباطات انسانی)، تعریف پیشنهادی نگارنده ارائه می‌گردد.

پیرس، فیلسوف، زمین‌شناس و نشانه‌شناس آمریکایی، تعریف خود از نشانه را این‌گونه بیان می‌کند: «نشانه چیزی است که برای ذهن ناظر تعیین‌کننده چیز دیگری باشد.» به توصیف وی، هر چیزی که تعیین‌کننده چیزی دیگر باشد (تفسیر^۴) و برای ارجاع به مصداقی در جهان خارج به کار رود که قرار باشد به آن مصداق ارجاع داده شود (موضوع^۵)، در چنین شرایطی تفسیر به نوبه خود یک نشانه به حساب خواهد آمد. پیرس وجود ویژگی‌هایی را که بتوان با

1. sign
2. message
3. Thomas Albert Sebeok
4. interpretant
5. object

از سوی دیگر، اگر ذره‌بین خود را وارد مرزهای حشرات کنیم، می‌توانیم از ارتباطات حشره‌ای نشانه‌ای سخن بگوییم. به گفته سببیاک، اگر خطری که جمعیت مورچه‌های خرم‌چین^۱ را تهدید کند زودگذر باشد، علامت‌ها یعنی میزان فرمون‌های آزاد شده به سرعت محو می‌شوند، و اگر خطر دوام بیشتری داشته باشد ماده هشداردهنده از تعداد بسیار بیشتری از مورچه‌ها ساطع می‌شود. در عین حال، با نگاه به مرزهای ارتباط انسان-ماشین می‌توانیم از ارتباطات انسان - ماشین نشانه‌ای سخن بگوییم. برای مثال، نگاهی که ما در طول تاریخ به انواع و اقسام ساعت‌ها انداخته‌ایم نوعی ارتباط انسان - ماشین است. در مثال دیگر، فشردن دکمه‌ای در آسانسور که روی آن عدد ۲ درج شده است نیز نوعی ارتباط نشانه‌ای انسان - ماشین از همین طیف از ارتباط را نمایان می‌سازد.

در توصیف ارتباطات غیرنشانه‌ای می‌توان به ردوبدل شدن پول هنگام خرید، شنیدن صدای ترمز ماشین در خیابان، استشمام بوی قورمه‌سبزی از آشپزخانه، دریافت بسته پستی و یا انتقال ویروس ایدز در ارتباط جنسی اشاره کرد.

ارتباط نشانه‌ای را می‌توان بر اساس تمام متغیرهای نشانه و نظام نشانه‌ای ارتباط طبقه‌بندی کرد. بر اساس ویژگی فیزیکی نشانه می‌توان ارتباط آوایی و غیرآوایی را طبقه‌بندی کرد که ماهیت نشانه در آن توالی‌هایی از صوت مانند صدا کردن کسی (آوایی)، بشکن زدن برای احضار پیش‌خدمت و یا علامت‌دهی با طبل و یا علامت موریس (غیر آوایی) است. برای تبیین بهتر اهمیت و تمایز ارتباط آوایی، سببیاک در مهره‌داران نه تنها تمایز میان ارتباط کلامی و غیرکلامی، بلکه تمایز میان ارتباط آوایی و غیرآوایی را مفید می‌یابد. سازوکار آوایی که با جریان عبور هوا از تارهای صوتی عمل می‌کند و آنها را به لرزش درمی‌آورد به نظر منحصر به انسان است و با اندکی تفاوت در نزدیک‌ترین خویشاوندان ما و دیگر حیوانات و پرنده‌ها (جانوران خونگرم با یک عضو تولید صدا) خزندگان و دوزیستان نیز مشاهده می‌شود. در ارتباط اپتیک که ماهیت نشانه توالی‌هایی از نور است، مانند روشن و خاموش کردن یک چراغ‌قوه برای ارسال درخواست کمک (S.O.S). بر اساس نظام نشانه‌ای می‌توان ارتباط را به صورت کلامی و غیرکلامی و یا ترکیبی از آن دو (کلامی - غیرکلامی) طبقه‌بندی کرد. در ارتباط کلامی، نشانه زبانی منتقل می‌شود. از سوی دیگر، بر اساس حس گر می‌توان ارتباط را به صورت دیداری یا شنیداری طبقه‌بندی کرد که در آن چشم و گوش حس‌گرهای نشانه در نظر گرفته می‌شوند. در پایان، بر اساس شیوه نسبت‌دهی می‌توان ارتباط آنالوگ و ارتباط دیجیتال را طبقه‌بندی کرد. در

1. pogonomyrmex badius

ارتباط دیجیتال بین توالی‌های نشانه و موضوع تناظر یک‌به‌یک وجود ندارد.

طبقه‌بندی بر اساس نوع مجرا

می‌توان به طبقه‌بندی ارتباط بر اساس نوع مجرا پرداخت و طبقه‌هایی مانند ارتباط اینترنتی، ارتباط ریلی، ارتباط عصبی، ارتباط سیمی، ارتباط بی‌سیم را از یکدیگر بازشناخت. از سویی دیگر نگاه زمانی به هر مجرا، یک زمان پیدایش و یک زمان شروع استفاده در ارتباط را به عنوان متغیرهای مجرا در اختیار ما قرار می‌دهد و می‌توان بازه‌های زمانی را بر اساس کانالی که بیشتر برای ارتباط استفاده می‌شود نام‌گذاری کرد؛ مانند ارتباط عصر اینترنت، ارتباطات عصر راه‌آهن، ارتباط عصر کابل تلگراف/تلفن و نظایر آن. حال اگر خود را محدود به ارتباط انسانی کنیم آنگاه می‌توان از ارتباط صوتی و غیرصوتی سخن گفت که در اینجا منظور از صوت ارتعاش و تکرار ارتعاش لایه‌های هوا به منزله مجرا است (و نه صوت به عنوان کانال).

دیوید کریستال^۱، زبان‌شناس انگلیسی، چهار مجرای ارتباطی را در ارتباطات انسانی نشانه‌ای طبقه‌بندی می‌کند که عبارتند از: مجرای آوایی^۲ (هوا) برای سخن گفتن، مجرای گرافیت^۳ (علامت‌گذاری روی ماده) برای نوشتن، مجرای دیداری^۴ برای نشانه‌گذاری (تکان دادن دست یا بیان چهره‌ای^۵). اکنون ما بعد چهارم ارتباطات را داریم: مجرای الکترونیک^۶ یا دیجیتال (کریستال، ۲۰۱۱: ۱۶).

طبقه‌بندی بر اساس میزان فاصله

هنگامی که موقعیت مکانی منبع و دریافت‌کننده نسبت به یکدیگر را در نظر بگیریم، می‌توان بر اساس فاصله آن را به ارتباط نزدیک، دور و خیلی دور تقسیم‌بندی کرد و در سه بُعد مکان، آن را در طبقه‌بندی بالا به پایین، پایین به بالا و یا هم‌سطح قرار داد. نگارنده بر این باور است که نوع مجرا، نوع منتقل‌شونده و میزان ماندگاری منتقل‌شونده متغیرهای تعیین‌کننده دور، نزدیک و یا خیلی دور است و میزان قدرت متغیر تعیین‌کننده ماهیت از بالا به پایین و یا از پایین به بالا بودن ارتباط است. برای مثال، صوت با سرعت متوسط ۳۴۳ متر تا پیش از مستهلک^۷ شدن ارتعاش لایه‌های هوا منتقل می‌شود، پس می‌توان آن را برای ارتباط دور استفاده کرد. به

1. David Crystal
2. vocalic channel
3. graphite channel
4. visual channel
5. facial expression
6. electronic channel
7. damp

جدول ۸. بازنمایی مقایسه‌ای شدت یک عاطفه و عضلات درگیر در چهره
(اکمن، ۲۰۰۳: ۱۰۵ - ۱۱۰)

عاطفه	توصیف اندام	نمونه
وجود ندارد	خستگی	
خواب‌آلودگی	افتادگی در پلک‌های بالا	
اندکی غمگین	بالا رفتن گوشه داخلی ابروها	
غمگین	بالا رفتن گوشه داخلی ابروها، افتادگی در پلک‌های بالا	
نسبتاً زیاد غمگین	افزایش بالا رفتن گوشه داخلی ابروها، افتادگی در پلک‌های بالا، اندکی بالا آمدن پلک‌های پایین	

شمایل گونگی در ابراز عواطف: نظام نشانه‌ای چهره

نگارنده بر این باور است آنچه اکمن از مقایسه حالت خنثی با سایر حالت‌ها بازنمایی کرده است، نتایجی را به دست می‌دهد که تا به حال بدان اشاره نشده است. برای مثال، هر عاطفه‌ای، صرفاً یک چیز ثابت نیست؛ بلکه شدت، به عنوان یک متغیر کمی آن را روی یک پیوستار مانند زیر قابل درجه‌بندی می‌کند. به عنوان مثال، در بازنمایی ارائه‌شده در مورد غم و اندوه، پیوستار زیر قابل ترسیم است.

پیوستار شدت اندوه				
خیلی غمگین	↔	غمگین	↔	اندکی غمگین
خیلی خوشحال	↔	خوشحال	↔	اندکی خوشحال
خیلی متعجب	↔	متعجب	↔	اندکی متعجب

از سوی دیگر، به هنگام توصیف اندام‌هایی که هنگام وقوع عواطف حرکت می‌کنند، می‌توان به دو نتیجه رسید:

- با افزایش شدت عاطفه، بر نوع و تعداد عضلات افزوده می‌شود.
- با افزایش شدت عاطفه، شدت درگیری عضلات نیز افزایش می‌یابد.

به عبارت دیگر نوع و تعداد عضلات و شدت درگیری متغیرهای وابسته به شدت عاطفه هستند و یک رابطه تناظری یک‌به‌یک بین آنها برقرار است. حال می‌توان بر اساس نمونه اکمن مبنی بر تغییرات چهره بر اثر وجود اندوه، می‌توان پیوستار را تکمیل کرد:

پیوستار شدت اندوه				
خیلی غمگین	↔	غمگین	↔	اندکی غمگین
پیوستار نوع عضله				
گوشه داخلی ابروها	↔	گوشه داخلی ابروها	↔	گوشه داخلی ابروها
پلک بالا		پلک بالا		پلک بالا

بیاپید نگاه در زمانی خود را ادامه دهیم. مجدداً به دو اسم خواهیم رسید: تبارشناس آمریکایی، گریک مالری^۱، و نقاشی‌های غار لاسکو^۲ متعلق به نزدیک ده هزار سال قبل میلاد. مالری معتقد است: «این نقاشی‌ها کارکردهای ارتباطی همچون روایتگری را دارا بوده‌اند» (همان: ۲۱). بر این اساس، نقاشی‌های غار لاسکو نیز به عنوان مثال نقض دیگری برای تعاریف ارائه شده است.

نوشتار، ارتباط نوشتاری، نظام نوشتاری

همه تعاریف ارائه شده، علی‌رغم مثال‌های نقض و عدم تعمیم آنها بر پدیده‌های تاریخی و موجود در جهان، دارای یک متغیر هستند که مورد اشتراک آنهاست. متغیری به نام «نشانه» که در همه تعاریف انواع آن به گونه‌های مختلف بیان شده است.

با توجه به بخش‌های ۱ و ۲ فصل نخست و بخش ۱ فصل دوم این کتاب، وجود نشانه یعنی وجود ماده یا انرژی، وجود نشانه یعنی وجود موضوع، وجود نشانه یعنی وجود پیام، وجود پیام یعنی وجود مجرا، وجود مجرا یعنی وجود حس‌گر و ادراک، و وجود همه اینها یعنی وجود ارتباط نشانه‌ای. اکنون می‌توان نوشتن را موضوعی وابسته به متغیرهای ارتباط نشانه‌ای و از منظر معنایی، زیرشمول معنایی واژه ارتباط نشانه‌ای دانست.

ذکر شد که نوع مجرا و نوع حس‌گر تعیین‌کننده ماهیت نشانه و ماهیت نشانه تعیین‌کننده زمان ماندگاری و دستگاه تولید نشانه است. حال اگر نوع ارتباط را به نوع انسانی نشانه‌ای محدود کنیم و از بین زیرمجموعه‌های مجرا مواد جامد را انتخاب کنیم، نوع حس‌گر ما یکی از حس‌گرهای دیداری، لامسه و چشایی خواهد بود و ماهیت نشانه نیز ماده جامد یا نسبتاً جامد و دستگاه تولید نشانه نیز شامل اندام‌هایی مانند انگشتان دست یا پاها است؛ چرا که این اندام‌ها در بدن انسان می‌توانند برای ایجاد توالی‌ها از مواد جامد به کار برده شوند و نه حنجره. این انتخاب‌ها نوعی ارتباط نشانه‌ای را ممکن می‌کنند که متغیرهای ارتباط ارزش‌های خاص خود را نسبت به سایر گونه‌های ارتباط نشانه‌ای دارا هستند و این ارزش‌ها در ادامه به ترتیب اهمیت فهرست شده‌اند:

- ✓ وابسته بودن حس‌گر دیداری به وجود نور.
- ✓ بیشتر بودن میزان ماندگاری نشانه جامد نسبت به سایر ماهیت‌های تحت قوانین حاکم بر جهان واقعی در ارتباط نشانه‌ای همه انسان‌ها و نه برخی از گونه‌های

1. Garric Mallery
2. Lacaux cave

خاص احتمالی.

✓ بیشتر بودن میزان ماندگاری مجرا جامد نسبت به سایر کانال‌های تحت قوانین حاکم بر جهان واقعی در ارتباط نشانه‌ای همه انسان‌ها و نه برخی گونه‌های خاص احتمالی.

✓ بیشتر بودن میزان ماندگاری پیام در ارتباط نشانه‌ای همه انسان‌ها و نه برخی گونه‌های خاص احتمالی.

✓ بیشتر بودن امکان انتقال پیام در فواصل زمانی مختلف تا زمان پایان ماندگاری ماهیت نشانه و مجرا در ارتباط نشانه‌ای همه انسان‌ها و نه برخی گونه‌های خاص احتمالی.

✓ کم بودن میزان فاصله بیشینه برای حس شدن و درک.

✓ بیشتر بودن میزان فاصله لازم در صورت کاهش سرعت انتقال.

✓ بیشتر بودن امکان زمان‌بندی دریافت پیام توسط دریافت‌کننده از سوی منبع با توجه به ماهیت نشانه و مجرا و میزان ماندگاری در ارتباط نشانه‌ای همه انسان‌ها و نه گونه‌ای خاص.

✓ بیشتر بودن امکان نگهداری و ذخیره‌سازی بلندمدت پیام با توجه به ماهیت نشانه و مجرا.

با توجه به این گونه از ارتباط و با توجه به تعاریف ارائه‌شده از نوشتن و علاوه بر این با توجه به اینکه شرط لازم برای روی دادن ارتباط، قرار دادن نشانه توسط منبع در مجرا است، از این‌رو نگارنده تعاریف پیشنهادی خود را به شرح زیر ارائه می‌دهد:

• نوشتن: هر عملی (فعلی) که نتیجه آن قرارگیری یک یا مجموعه‌ای از نشانه‌ها روی ماده‌ای جامد با روش تغییر در ماهیت آن ماده جامد و با هدف ارتباط نشانه‌ای است، نوشتن است.

قابل ذکر است نگارنده مجموعه فعل‌هایی مانند کنده‌کاری، سوزاندن، درج ماده جامد یا نسبتاً جامد (مانند جوهر)، عکاسی و فیلم‌برداری را که توسط منبع (فرستنده) روی ماده‌ای جامد با هدف ارتباط نشانه‌ای مشتمل بر انتقال نشانه و موضوع آن صورت می‌گیرد را گونه‌هایی از نوشتن می‌داند. حال اگر منبع (فرستنده) را انسان انتخاب کنیم، اندام‌هایی مانند دستان و پاها و ابزارهایی که برای قرار دادن نشانه بر ماده جامد استفاده می‌کند تماماً بخشی از دستگاه تولید

دو محقق انگلیسی، چارلز کی آگدن^۱ و آیور آرمسترانگ ریچاردز^۲، در مورد تعاریفی که فلاسفه درباره معنی ارائه داده‌اند، چنین اظهارنظر می‌کنند:

«دو حالت پیش روی ماست؛ یکی اینکه بگوییم معنی رابطه‌ای است میان A و B و دوم اینکه خود B معنی A است. در حالت اول، معنی یک رابطه است و در حالت دوم معنی چیزی در جهان خارج است. طرح این دو تعریف بدین شکل کمی مبهم است و شاید مشکل‌آفرین باشد، ولی اگر این رابطه میان A و B یعنی رابطه میان یک واژه و مصداقش را ارجاع بنامیم و B را هم که چیزی در جهان خارج است مصداق در نظر بگیریم تکلیفمان روشن می‌شود» (به نقل از صفوی: ۱۳۹۷: ۲۷۹).

این دو محقق فهرستی از سایر تعاریف ارائه شده در مورد معنی را به شرح زیر ارائه می‌دهند (صفوی: ۱۳۹۷: ۲۸۰):

الف	۱	یک پدیده واقعی
	۲	یک رابطه مستقیم و منحصر به فرد با چیزها
	۳	واژه‌های دیگری که در فرهنگ لغت ارائه می‌شوند
	۴	دلالت ضمنی یک واژه
	۵	یک جوهر
	۶	عملی الفاکننده یک موضوع
ب	۷	الف
		ب
	۸	جایگاه حضور یک واژه در یک نظام
	۹	پیامدهای عملی چیزی در تجربه‌های آتی‌مان
	۱۰	پیامدهای نظری دخیل در یک اظهارنظر
	۱۱	احساس نسبت به هر چیزی

1. Ogden
2. Richards

چیزی که به‌واقع، برحسب نوعی رابطه انتخابی به یک نشانه ربط می‌یابد		۱۲	پ
رد عصبی یک انگیزه، تداعی‌های حاصل	الف	۱۳	
وقوع واکنشی برحسب رد عصبی	ب		
آنچه تعبیر یک نشانه است	پ		
هرچه به ذهن خطور می‌کند	ت		
در مورد نمادها			
آنچه کاربرد یک نماد به آن ارجاع می‌دهد			
آنچه کاربرد یک نماد باید بدان ارجاع دهد		۱۴	
آنچه کاربرد یک نماد بر این باور است که بدان ارجاع می‌دهد		۱۵	
به آن ارجاع می‌دهد	الف	۱۶	
بر این باور است به آن ارجاع داده‌اند	ب		
بر این باور است که کاربرد یک نماد به آن ارجاع می‌دهد	پ		

معنی‌شناس و زبان‌شناس ایرانی، کورش صفوی، بر اساس وجود و یا عدم وجود موضوع یک نشانه در جهان خارج از امکان توضیح معنی توسط نشان دادن خود موضوع در جهان خارج و یا استفاده از نشانه‌های دیگر برای توضیح معنی سخن می‌گوید و شرط لازم برای توضیح معنی موضوعی که در جهان خارج وجود ندارد را صرفاً استفاده از نشانه‌ای دیگر مانند نشانه زبانی می‌داند. او به عنوان مثال، صندلی و وجدان را مثال می‌زند که برای توضیح معنی صندلی می‌توان هم از زبان استفاده کرد و هم خود صندلی را نشان داد و یا تصویری از صندلی کشید. در مقابل، برای توضیح معنی وجدان نه می‌توان چیزی را در جهان نشان داد و نه تصویری از وجدان کشید، بلکه صرفاً از طریق زبان می‌توان آن را توضیح داد (صفوی: ۱۳۹۲: ۲۹). با نگاهی دوباره به مثلث پیرس متوجه خواهیم شد نه بازنمون و نه موضوع معنی هستند، بلکه معنی در نشانه دوم به وجود می‌آید. بر این اساس نگارنده، با توجه به شمایل بودن ایموچی‌ها بر این باور است که موضوع‌های ایموچی‌ها در جهان خارج وجود دارند. بنابراین، هم با استفاده از زبان و هم بدون استفاده از زبان می‌توان معنی آنها را توضیح داد.

مؤلفه‌های معنایی

اصطلاح مؤلفه‌های معنایی از جمله اصطلاحات معنی‌شناسی مختص نشانه‌شناسی است. صفوی در این باره چنین می‌گوید:

«به هنگام بحث درباره‌ی شرایط لازم و کافی برای تعیین تقابل معنایی میان واحدهای زبان به دیدگاه کریپکه^۱ اشاره کردیم، این شرایط لازم و کافی به ما اجازه می‌دهد تا مثلاً به کمک مذکر بودن و یا مؤنث بودن، مفهوم دو واژه مرد و زن را از یکدیگر متمایز سازیم» (صفوی: ۱۳۹۲: ۲۷۷-۲۷۸).

پس از طرح مختصات واجی از سوی واج‌شناسان و به‌ویژه مؤلفه‌هایی نظیر [+واک] / [-واک]، [+خیشومی] / [-خیشومی] و جز آن برحسب آرای واج‌شناسان مکتب پراگ^۲ به طور اخص دیدگاه تروبتسکوی^۳ مؤلفه‌های جهانی به حساب آمدند. معنی‌شناسان نیز به این وسوسه افتادند تا با الگوگیری از واج‌شناسی، در مطالعه‌ی معنی نیز به مؤلفه‌هایی دست یابند. به این ترتیب، می‌توان تقابل میان چهار واژه «مرد»، «زن»، «پسر» و «دختر» را برحسب مؤلفه‌های معنایشان به دست آورد.

مرد [+انسان] [+مذکر] [+بالغ]

زن [+انسان] [-مذکر] [+بالغ]

پسر [+انسان] [+مذکر] [-بالغ]

دختر [+انسان] [-مذکر] [+بالغ]

به باور نگارنده، مؤلفه‌های معنایی نوعی بازنمایی نمادین معنی با استفاده از یک نظام دوارزشی و نشانه‌های زبانی هستند که هر یک بخشی از موضوع نشانه و ویژگی‌های آن را بازنمایی می‌کنند. به بیان بهتر، آنچه ما معنی می‌نامیم مجموعه‌ای از این مؤلفه‌های معنایی است. افزون بر این، نگارنده معتقد است مؤلفه‌های معنایی را می‌توان برای هر نشانه‌ای و نه صرفاً نشانه‌ی زبانی ارائه کرد.

1. Kripke

2. Prague school

3. Nikolay Trubetskoy

واژه‌نامه تخصصی

الف

Intonation	آهنگ
Ambiguity	ابهام
Structural ambiguity	ابهام ساختاری
Sensation	احساس
Perception	ادراک
Communication	ارتباط
Vocalic communication	ارتباط آوایی
Non-verbal communication	ارتباط غیر کلامی
Verbal communication	ارتباط کلامی
Communicator	ارتباط‌گر
Communicatee	ارتباط‌گیر
Metaphor	استعاره
Gesture	اشاره حرکتی
Alphabetic	الفبایی
Transmitter	انتقال‌دهنده
Ideogram	اندیشه‌نگار
Emoticon	ایموتیکون
Emoji	ایموجی
Internet	اینترنت

نمایه

۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۸-	آهنگ ۵۸، ۶۳، ۶۵، ۷۱، ۷۲، ۷۸، ۹۲
۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۲، ۱۲۴-	ابهام ۱۲۴، ۱۲۶
۱۲۶، ۱۲۸-، ۱۳۰، ۱۳۴-۱۳۸، ۱۴۰،	ابهام ساختاری ۱۳۷، ۱۴۹
۱۴۳-۱۴۵، ۱۴۷-۱۵۰	احساس ۱۷-۱۹، ۲۲، ۳۶، ۹۵، ۱۲۰
بازنمون ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۹، ۴۱،	ادراک ۱۵، ۱۷-۲۲، ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۲، ۳۳،
۷۲، ۱۲۱، ۱۴۶-۱۴۸	۳۷، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۶۳، ۷۹
بسامد ۲۰، ۴۷، ۹۲، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۲۹،	ارتباط آوایی ۵۵
۱۳۳-۱۳۵، ۱۵۰	ارتباط کلامی ۵۵، ۵۷، ۶۳
پردازش‌گر ۱۸، ۱۹، ۲۱-۲۳، ۲۵، ۲۶، ۳۰-	ارتباط غیرکلامی ۴۹، ۶۲-۶۶، ۶۹، ۷۶،
۳۳، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۴۶، ۶۰، ۸۱، ۹۴،	۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۴۰، ۱۴۳،
۱۱۵، ۱۱۶	۱۴۴، ۱۴۸
تراکنش ۹۴	استعاره ۸۱، ۱۱۹، ۱۲۶-۱۳۲، ۱۳۴، ۱۴۹
تعامل ۱۱، ۱۸، ۴۱، ۴۲، ۴۶، ۵۱، ۵۲، ۷۷،	اشاره حرکتی ۶۹
۸۱، ۸۷، ۱۳۴، ۱۳۵	القیابی ۸۴، ۸۹، ۹۴
تفسیر ۱۴-۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۵-۲۹، ۳۲-۳۴،	اندیشه‌نگار ۸۴، ۸۶، ۹۴
۳۶، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۷۲، ۹۴، ۱۱۶، ۱۲۹	ایموجی ۱۳، ۳۶، ۴۴، ۵۳، ۵۹، ۹۰، ۹۵، ۹۶،
تناظر ۲۳-۲۶، ۳۹، ۵۶، ۵۹، ۶۵، ۷۵، ۷۶،	۹۸، ۱۰۱-۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵،
۸۳، ۸۸، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۷،	۱۲۶، ۱۳۰-۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۳-۱۵۰
۱۲۸	ایموتیکون ۹۸-۱۰۱
جریان ۱۹-۲۱، ۵۱، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۳	ایتنرن ۱۱-۱۳، ۲۹، ۴۹، ۵۶-۶۱، ۹۴، ۹۵،
	۹۸، ۹۹، ۱۱۵، ۱۵۰
	بازنمایی ۱۲، ۱۵، ۲۲، ۳۳-۳۵، ۳۷، ۳۸،
	۴۰، ۴۵، ۵۲، ۷۰، ۷۲-۷۵، ۷۷، ۷۸،